

دانش سیاسی - ۱۱

نوشتۀ

رابرت کوپر

ترجمۀ

حمید کریم‌نیا

فروپاشی کشورهای

نظم و هرج و مرج در قرن بیست و یکم

کتابساز

نشر نگاه معاصر

فهرست

- مقدمه مترجم ۵
- دیباچه ۱۱

بخش اول: شرایط جهان

- مقدمه ۱۹
- نظم قدیم جهانی ۲۳
- نظم در دوره‌ی جنگ سرد ۲۹
- نظم جدید جهانی ۳۱
- جهان شبه‌مدرن ۳۲
- مذهب و ظهور مدرنیسم ۳۴
- دنیای مدرن ۳۹
- جهان پست‌مدرن ۴۳
- مصالح دولت ۵۷
- کدام کشور جزو دنیای مدرن است؟ ۵۹
- هژمونی پست‌مدرن ۶۲
- ایالات متحده ۶۵
- دولت پست‌مدرن ۷۱
- امنیت در دنیای جدید ۷۶

جنگ در دنیای مدرن ۷۷

جنگ اول خلیج فارس ۷۷

جنگ یوگسلاوی پیشین ۸۰

جنگ دوم خلیج فارس: سلاح‌های کشتار جمعی ۸۴

امنیت و جهان شبه‌مدرن ۸۸

جمع‌بندی: امنیت و دنیای پست‌مدرن ۱۰۰

بخش دوم: شرایط صلح

مقدمه: دیپلماسی قرن بیست و یکم ۱۰۹

گفتار اول: خارجی‌ها متفاوتند ۱۱۵

گفتار دوم: در نهایت آنچه مهم است سیاست داخلی است ۱۳۰

گفتار سوم: نفوذ خارجی‌ها مشکل است ۱۴۲

گفتار چهارم: سیاست خارجی فقط به خاطر منافع نیست ۱۵۷

گفتار پنجم: گسترش زمینه ۱۶۹

بخش سوم: پرده‌ی آخر

اروپا و آمریکا ۱۸۷

مقدمه مترجم

پس از حوادث یازدهم سپتامبر ۲۰۰۱ شرایط امنیتی در جهان به طور کلی تغییر یافت و استراتژی کشورهای غربی در مواجهه با سایر ملل جهان تحولی چشم‌گیر پیدا کرد. از این جهت نگاه این کشورها به رویدادها و بحران‌های جاری در مناطق بحران‌زا تغییر کرد. البته این تحول در استراتژی را آنان به نحوی وانمود نکردند که رویکرد تازه در واقع نتیجه مطالبات کشورهای کمتر توسعه‌یافته یا به عبارت دیگر جهان سوم بر جهان غرب بوده است که بر اثر همین فشارها و مطالباتشان جنبه تهدیدآمیز پیدا کرده. یعنی به اعتقاد نویسنده، واقعیت‌ها به نحوی شکل گرفت که این تحول پاسخ به مطالبات این دسته از کشورها نبوده، بلکه بر اثر تهدیداتی است که آنان بر امنیت غرب وارد ساخته‌اند. به عبارت دیگر این تهدیدات آنان بوده که موجب تغییر در رویکرد غرب شده است، نه عدالت‌خواهی این کشورها. از این رو می‌باید کشورهای توسعه‌یافته یا به قول نویسنده، «پست‌مدرن» راه‌های مقابله با این تهدید را تدارک ببینند.

این کتاب را نویسنده‌ای تهیه کرده است که موضوع امنیت جهانی در عصر حاضر و راه‌های کاهش تهدیدات در آن از دغدغه‌های فکری او بوده است. وی به عنوان دیپلمات بلندپایه، مدتی در پست‌های اجرایی در مقام معاون وزارت خارجه انگلیس و مشاور نخست‌وزیر قبلی این کشور و همین‌طور مشاور اتحادیه اروپا در امور امنیت این اتحادیه بوده است، از این جهت نظرات نویسنده در خصوص مسائل جهانی می‌تواند قابل توجه باشد. در عصری که به گفته نویسنده اهمیت مرزهای ملی رو به کاهش نهاده شده، به طوری که این تحول یک واقعه دوسویه در حال شکل‌گیری است؛ تحولی که برای دولت‌های پست‌مدرن

در میان خودشان راهگشا بوده و در ارتباط با سایر کشورهای شبه‌مدرن و مدرن مشکل افزا شده است. به عبارتی، جهان پست‌مدرن ویژگی‌هایی دارد که در این شرایط تازه امنیتی مزایا و معایبی را به بار آورده است.

مزایا و محاسن آن که بر این کشورها معلوم است و در این راستا آنان گام در این صحنه گذاردند. تعامل و همگرایی در فضای تفاهم، به جای خصومت و جنگ که ریشه در گذشته‌ای چند سده داشته است. اینها حداقل مزایایی است که این دسته از کشورها از آن بهره می‌برند. در حالی که رسیدن به این تفاهم و همگرایی مستلزم طی مسیر طولانی از مشکلات مشترک و احساس نیاز به همگرایی است که برای کشورهای پست‌مدرن به وجود آمده است. در عین اینکه توسعه پست‌مدرنیسم برای سایر بخش‌های جهان هنوز میسر نگردیده، کشورهای مدرن یا در حال توسعه، بنا به دلایل محلی و منطقه‌ای، و یا سوابق تاریخی و غیره نمی‌توانند دست به این‌گونه همگرایی‌ها نظیر آنچه در اتحادیه اروپا اتفاق داده است، بزنند. در حالی که آرزوی دیرینه بسیاری کشورها این است که از این روند و تجربیات درسی بیاموزند، همچنان که شاهدیم در مناطقی دیگر بلوک‌بندی‌های اقتصادی و اتحادیه‌های شبیه به اتحادیه اروپا در حال شکل‌گیری است یا تشکیل شده است. مرزهای ملی اهمیتشان به مرور کم‌رنگ و کم‌اهمیت شده‌اند، تا حدی که کشورها مشکلاتشان را نمی‌توانند به صورت انفرادی حل کنند. راه حلی که نویسنده پیشنهاد می‌دهد این است که در جهان کنونی آنها را به صورت فراملی مورد بررسی قرار داده و حل کنند.

بسیاری مشکلات جاری میان کشورهایی که تا قبل از استقلال تحت امپراتوری‌های قرن اخیر بوده‌اند، به دلیل همین مرزبندی‌های مصنوعی است که پس از دوران استعمار کهن و برخلاف عرف و عادات و سابقه تاریخی و فرهنگی آنان به وجود آمده است. بنابراین وی پیشنهاد می‌کند که راه حل رسیدگی به اختلافات سیاسی و قومی و بسیاری از مشکلات و رهایی یافتن از این‌گونه بحران‌ها همگرایی در قالب همکاری‌های مشترک و به شیوه کشورهای پست‌مدرن از جمله شبیه به اتحادیه اروپا است که وی از این همگرایی به «امپراتوری جدید» یاد می‌کند. ضمن اینکه عملکرد امپراتوری‌های استعماری گذشته را محکوم دانسته، لیکن همگرایی جدید با آنچه در عصر گذشته تحت حاکمیت آن امپراتوری‌ها وجود داشته؛ تفاوت دارد. شاید چیزی که امروزه در قالب اتحادیه‌های بین‌المللی نظر سازمان ملل و صندوق بین‌المللی پول و از این قبیل که می‌باید در امور کشورها مداخله کنند رایج‌تر و عملی‌تر باشد، از این نظر علت به جای ماندن این سازمان‌ها با همه کاستی‌ها نیز همین است.

اما، تا زمانی که کشورهای در حال توسعه یا مدرن و دسته دیگر که کشورهای درمانده در حاکمیت نظیر افغانستان و سومالی وجود دارند، در این مناطق بهشتی برای گروه‌های آشوبگر و به گفته نویسنده «تروریست» هستند که از فضای موجود در جهان پست‌مدرن سوء استفاده کرده و دیگر مناطق را به آشوب می‌کشند. به همین دلیل، جنبه منفی همگرایی و کاهش ارزش مرزهای ملی و واقعیاتی که در دوران پس از جنگ سرد اتفاق افتاده در اینجا همان تهدیداتی است که کشورهای پست‌مدرن با آن مواجهند. به عبارتی از جنبه داخلی این کشورها هرچند یک موقعیت برای توسعه محسوب می‌شود، اما از جنبه بیرونی تهدیداتی وجود دارد. تهدیداتی که با برشمردن مواردی چند از این تحولات مخصوصاً پس از وقایع یازدهم سپتامبر، صورت واقعی و جدی به خود گرفته است.

نویسنده از همین رهگذر استفاده کرده و ضمن تشریح تهدیدات امنیتی تازه در عصر معاصر و اینکه این تهدیدات مرز و حدود نمی‌شناسد و با اشاره به حوادثی از قبیل عملیات تروریستی در افغانستان و غیره معتقد است که کشورهای توسعه‌یافته و پست‌مدرن نیز فارغ از این تهدیدات نیستند. به اعتقاد وی اولاً این تهدیدات باید ریشه‌یابی شوند و ثانیاً باید همه‌گونه پیشگیری‌ها به عمل آید و در درجه آخر مقابله با این‌گونه تهدیدات باید مورد نظر همه کشورها باشد. در همین ریشه‌یابی مسائل است که معتقد است باید رفتار کشورهای دسته اول نسبت به دیگر کشورها تغییر کند؛ و نسبت به جلوگیری از تکرار رفتارهای گذشته و واکنش آنان جلوگیری کنند.

در جهانی که مرزهای عقیده و رویکردهای گوناگون در مقابل هم به چالش گرفته شده و بر اثر پدیده جهانی شدن درهم‌تنیده، حاکمیت اخلاقی و اتوریته رو به افول گذارده. به گفته خانم هانا آرنت در کتاب میان گذشته و آینده، اتوریته در جهان مدرن مرده است. به این دلیل که اتوریته با معانی مبهم و متنازع روبروست، نامفهوم شده است. به همین جهت تحولات در جهان مدرن در قرن بیستم با بحران عمیق و گسترش‌یابنده‌ای روبرو بوده، و در دوران اخیر این بحران بیش از قبل آشکار شده است. نیاز به حفظ هویت و اتوریته سنتی که نویسنده این کتاب نیز در بخش‌هایی از کتاب به عنوان راه حل بحران‌های موجود هویتی و فرهنگی بدان اشاره کرده ناشی از همین است. در اینجا به اعتقاد آرنت باید میان اتوریته و استبداد و دیکتاتوری تفکیک قائل شد. دیکتاتوری و استبداد امری قابل انکار است، در حالی که اتوریته همواره نیرویی خارجی و برتر از قدرت خود آن است؛ همواره این نیروی خارجی، یا این منشأ است که ماورای قلمرو سیاسی قرار دارد که صاحبان قدرت در حکومت اقتدارگرا